

نقد و تحلیل کتاب زبان، بافت، و متن؛

جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی - نشانه‌شناختی

سپیده عبدالکریمی*

چکیده

مقاله حاضر محصول نگاهی به کتاب زبان، بافت، و متن؛ جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی - نشانه‌شناختی است که طاهره ایشانی و مجتبی منشی‌زاده آن را به فارسی برگردان کرده‌اند. با توجه به آن که رویکرد نقش‌گرایانه به مطالعات زبانی در مقایسه با رویکردهای صورت‌گرایانه و شناختی در ایران درصد کم‌تری از مطالعات و بحث‌های زبان‌شناختی را به خود اختصاص داده است، جای خالی کتابی که نگرش اخیر را به زبان‌پژوهان علاقه‌مند معرفی کند، آن هم به زبان فارسی، به شدت محسوس بوده است. به همین دلیل، کوشش مترجمان این اثر ستودنی و شایسته سپاس‌گزاری است. به جرئت می‌توان گفت یکی از امور حساسی که برعهده مترجمان این اثر بوده است، برابری واژه‌ها و اصطلاحات این حوزه تخصصی است؛ زیرا جای خالی کتاب‌هایی از این دست، خود، نشان‌دهنده عدم وضع واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی دقیق و یک‌دست در رویکرد نقش‌گرایانه به مطالعه زبان در فارسی است. افزون‌براین، دیگر دشواری‌هایی که مترجمان برای برگردان اثر به زبان فارسی با آن‌ها روبه‌رو بوده‌اند، سبب شده است تا مواردی در ترجمه کتاب بایسته بازبینی بکنند. بنابراین، آنچه از نظر خواهد گذشت، معرفی کتاب و مبنای نظری آن، معرفی موضوعی بخش‌ها و فصل‌های کتاب، و بیان نقاط قوت و ضعف این کتاب ترجمه‌شده است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی نقش‌گرا، نقد تحلیلی، بافت، متن.

* استادیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، s_abdolkarimi@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۰۱

۱. مقدمه

کتاب *زبان، بافت، و متن؛ جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی* — نشانه‌شناختی اثر مایکل هلیدی^۲ و رقیه حسن^۳ (Michael Halliday and Ryqaiya Hasan) است که طاهره ایشانی و مجتبی منشی‌زاده آن را به فارسی برگردانده‌اند. این کتاب را انتشارات علمی در سال ۱۳۹۳ در پانصد نسخه و در میان سری کتاب‌های «نگین‌های زبان‌شناسی» چاپ کرده است. شاید به جرئت بتوان گفت زبان‌شناسی نقش‌گرا در مقایسه با زبان‌شناسی زایشی و زبان‌شناسی شناختی در ایران بیش‌تر مغفول مانده است. به همین دلیل، برگردان و چاپ این کتاب به زبان فارسی بدون تردید برای پرکردن جای خالی چنین ترجمه‌ای ضروری بوده است و گامی مهم برای آشناکردن دانشجویان و استادان رشته زبان‌شناسی که به پی‌گیری مطالعات نقش‌گرایانه زبان علاقه‌مندند، به‌شمار می‌رود. این کتاب را محسن نوبخت نیز به فارسی برگردان کرده است که انتشارات سیاه‌رود آن را به چاپ رسانده و در سال ۱۳۹۳ وارد بازار کتب زبان‌شناسی شده است.^۴

در این مختصر، پس از معرفی زبان‌شناسی نقش‌گرا و پیش‌گامان این رویکرد به مطالعات زبانی، ساختار کتاب، که مشتمل بر بخش‌ها و فصل‌های کتاب است، شرح داده خواهد شد و سپس، بحث دربارهٔ مواردی که میان می‌آید که به دلیل محدودیت‌های احتمالی‌ای که مترجمان با آن‌ها روبه‌رو بوده‌اند، این امکان را به وجود آورده است که مخاطبان کتاب با ابهام روبه‌رو شوند. ذکر دو نکته در مورد موارد ابهام‌ساز یا مشکل‌دار در کتاب بایسته می‌کند: یکی این‌که مسلماً بروز سهوی موارد یادشده صرفاً ویژهٔ این برگردان نیست، بلکه شامل حال هر کتابی اعم از ترجمه یا تألیف می‌تواند باشد و دوم این‌که این موارد معدودند و ذکر آن‌ها از ارزش کتاب و جایگاه والای آن در میان کتاب‌های زبان‌شناسی نمی‌کاهد.

۲. نگاهی کوتاه به زبان‌شناسی نقش‌گرا

زبان‌شناسی نقش‌گرا رویکردی به مطالعهٔ زبان است که در دههٔ هفتاد میلادی شکل گرفت. چنان‌که از نام این رویکرد مطالعاتی پیداست، نگرشی این‌گونه به زبان در مقابل نگرش صورت‌گرایانه به مطالعات زبانی قرار داشت و البته دارد. دبیرمقدم (۱۳۹۵: ۲) بر این باور است که در زبان‌شناسی نقش‌گرا زبان نظامی برای ایجاد ارتباط است. در مطالعات نقش‌گرایانهٔ زبان، با تکیه بر کاربردهای گوناگون زبان، نقش‌هایی که زبان در بافت‌های

گوناگون ایفا می‌کند و نیز عوامل مؤثر بر ایفا شدن نقش‌های گوناگون زبان، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند. بنابراین، نگرش غالب در زبان‌شناسی نقش‌گرا نگرش کاربر‌دشناختی (pragmatic function) به زبان است و در مطالعات زبانی خبری از تحلیل‌های صوری و ریاضی‌گونه نیست؛ تحلیل‌هایی که بدون در نظر گرفتن بافت‌های گوناگون کاربردی زبان صورت می‌گیرند.

قاعده‌هایی که در زبان‌شناسی نقش‌گرا معرفی می‌شوند قاعده‌هایی هستند که ارتباط‌های کلامی را هدایت و کنترل می‌کنند. در این رویکرد، هر محمول زبانی (linguistic predicate) درون چهارچوبی تعریف می‌شود که در بردارنده موضوع‌های آن محمول با نقش‌های معنایی (theta roles) شان است و کارکردهای گوناگون، به عناصر تشکیل‌دهنده یک چهارچوب محمولی نسبت داده می‌شود.

بنابر آنچه گفته شد، در زبان‌شناسی نقش‌گرا افزون بر بافت زبانی (linguistic context)، بر نقش بافت موقعیتی و عناصر گوناگون تشکیل‌دهنده این بافت مانند مشارکان در گفتمان (tenor of discourse) و شیوه شکل‌دهی به گفتمان (mode) تأکید می‌شود. در این رویکرد مفاهیمی هم‌چون بافت فرهنگی (cultural context)، پیوستگی متن (coherence)، انسجام متن (cohesion)، بینامتنیت (intertextuality)، و عوامل مؤثر بر ایجاد یک پارچگی متنی (textual unity) مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. گیون (۱۹۷۹: ۳-۴) به نقل از دبیرمقدم (۱۳۹۵: ۳۰) هفت عامل محتوای گزاره‌ای (propositional content)، محتوای گفتمانی (discoursal content)، پردازش‌گر (processor)، ساخت شناختی (cognitive structure)، پدیدآیی فردی (ontogenetic development)، تغییرات در زمانی (diachronic changes)، و پدیدآیی نوعی (phylogenetic evolution) در تعیین کم و کیف ساخت زبان دخیل می‌داند.

۳. ساختار کتاب

کتاب زبان، بافت، و متن؛ جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی - نشانه‌شناختی در بردارنده شش فصل است. این شش فصل در دو بخش تنظیم شده‌اند که این دو بخش با نام‌گذاری به صورت «الف» و «ب» از هم متمایز شده‌اند. بخش اول کتاب، که با عنوان «قسمت الف» نام‌گذاری شده است، در بردارنده آرای مایکل هلیدی است و بخش دوم، که با عنوان «قسمت ب» نام‌گذاری شده است، به ذکر آرای رقیه حسن اختصاص داده شده است.

فصل‌های اول، دوم، و سوم بخش نخست کتاب و فصل‌های چهارم، پنجم، و ششم بخش دوم کتاب را تشکیل می‌دهند. افزون‌بر بخش‌ها و فصول یادشده، کتاب دربردارنده فهرست مطالب، یادداشت پروفیسور رقیه حسن، سخن مترجمان، معرفی‌نامه مایکل هلیدی و رقیه حسن، و پیش‌گفتار در بخش آغازین کتاب است و کتاب‌نامه، واژه‌نامه فارسی-انگلیسی و نمایه در بخش پایانی کتاب درج شده‌اند.

پس از فهرست مطالب و پیش از سخن مترجمان، یادداشت پروفیسور رقیه حسن درج شده است که این امر، خود، یکی از نقاط قوت کتاب و امتیازی برای آن در مقایسه با سایر ترجمه‌های موجود از آن به‌شمار می‌آید.

۱.۳ فصل اول

در فصل نخست کتاب، پس از معرفی زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی، مفهوم «بافت موقعیت (context of situation) معرفی شده و بر اهمیت آن در ایفای نقش ارتباطی زبان تأکید شده است. بدیهی است که در معرفی این‌گونه زبان، از یکسو بر ماهیت زبان به‌مثابه نظامی از نشانه‌ها تأکید می‌شود و از سوی دیگر، بر کارکرد اجتماعی این نشانه‌های قراردادی تأکید می‌گردد. در این فصل مفهوم بافت موقعیت از دیدگاه مالدینوفسکی، فرث، و دل‌هایمز تعریف می‌شود و پس از بحث درباره چپستی متن، سه ویژگی برای بافت موقعیت برشمرده می‌شود که عبارت‌اند از زمینه گفتمان (field of discourse)، عاملان گفتمان (tenor of discourse)، و شیوه گفتمان (mode of discourse). در ادامه فصل اول کتاب به توضیح درباره این مفاهیم پرداخته می‌شود.

۲.۳ فصل دوم

در فصل دوم کتاب، درباره نقش‌های زبان (functions of language) توضیح داده شده است و پس از تلقی «نقش» به‌عنوان اصل بنیادین زبان، معنای تجربی، معنای بینافردی (interpersonal meaning)، و معنای منطقی (logical meaning) توصیف شده‌اند. در فصل دوم کتاب است که میان متن زبانی یا همان بافت زبانی (linguistic context) و بافت موقعیتی ارتباط برقرار می‌شود و درباره انواع نقش‌های زبان و معانی در بافت‌های موقعیتی گوناگون بحث می‌شود. فصل دوم کتاب را می‌توان باب ورود به بحث دخیل کردن عوامل غیرزبانی در پیدایش معنی زبانی و خوانش معنایی صحیح دانست.

۳.۳ فصل سوم

در فصل سوم کتاب درباره مفهوم «سیاق» (register) و انواع آن که عبارت‌اند از سیاق‌های بسته و محدود و سیاق‌های بازتر بحث می‌شود. در این فصل ارتباط سیاق‌ها و گویش‌ها نیز مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. فصل سوم فصل بحث درباره ویژگی‌های سه‌گانه بافت موقعیت با آوردن مثال نیز است. بافت فرهنگی (context of culture)، بینامتنیت، و پیوستگی متنی از دیگر مفاهیمی هستند که در این فصل معرفی و تعریف می‌شوند. در این فصل از کتاب، آرای مایکل هلیدی به پایان می‌رسد و بخش اول کتاب یا همان قسمت «الف» پایان می‌یابد.

۴.۳ فصل چهارم

از فصل چهارم کتاب، بخش دوم یا همان قسمت «ب» و آرای رقیه حسن آغاز می‌شوند. در فصل چهارم بحث از ساختار متن به میان می‌آید و سپس درباره پیکربندی بافتی (contextual configuration) و ارتباط آن با ساختار متن توضیح داده می‌شود. پس از بحث درباره مؤلفه‌های اجباری در ساختار بالقوه متن، فصل چهارم با معرفی مفهوم «ژانر» و ارتباط آن با ساختار متن به پایان می‌رسد.

۵.۳ فصل پنجم

مفهومی که در آغاز فصل پنجم معرفی می‌شود بافتار (texture) است. در این فصل، از انسجام و انواع ابزارهای ایجاد انسجام متنی (cohesion devices) نیز سخن به میان می‌آید. درباره انواع انسجام، یعنی انسجام ساختاری و غیرساختاری و زنجیره‌های انسجامی (cohesion chains)، ابهام، و ارجاع برون‌متنی نیز بحث می‌شود.

۶.۳ فصل ششم

در فصل ششم، یعنی آخرین فصل از کتاب، درباره یک‌پارچگی متن، ارتباط میان بافت، ساختار و بافتار، چستی پیکربندی بافتی و تأثیر فرهنگ بر روی آن، چستی ژانر و انواع آن، و نیز سطوح هویت متنی بحث و توضیح داده می‌شود.

۴. بررسی و تحلیل اثر

در جریان مرور مطالب کتاب، نگارنده این سطور با مواردی برخورد کرده است که ممکن است بر درک کامل و خوبِ مطلب از سوی خواننده کتاب تأثیر مثبت نداشته باشند. برخی از این موارد مربوط به معادل‌گزینی‌ها و چگونگی ترجمه جمله‌هاست و برخی دیگر مواردی صوری است.

بنابر آنچه گفته شد، مواردی که در بخش‌های آتی از نظر خواهند گذشت مواردی هستند که اصلاح آن‌ها می‌تواند به رفع ابهام‌های احتمالی موجود کمک کند و بر غنای کتاب ارزش‌مندی که به زبان فارسی برگردان شده است، بیفزاید.

۱.۴ فهرست مطالب

سومین عنوان در فصل دوم کتاب، یعنی «کارکرد به‌عنوان عاملی اصلی در زبان»، که در فهرست مطالب درج شده است، مبهم به نظر می‌رسد. این امکان وجود دارد که گزینش چنین معادلی به شکل‌گیری این پرسش در ذهن مخاطب کتاب منجر شود که مرجع واژه «عامل» چیست؟ اگر معادل «نقش» به‌عنوان اصلی بنیادین در زبان» برگزیده شود، احتمال روبروشدن مخاطب کتاب با ابهام در این بخش کاهش خواهد یافت؛ به‌ویژه این‌که واژه به‌کاررفته در متن اصلی «principle» است.

در فصل سوم، هفتمین عنوان پس از عنوان فصل، قابل اصلاح می‌نماید. هفتمین عنوان پس از عنوان فصل، «متن و بافت» پیش‌بینی این از آن (یکی از دیگری) (text and context: predicting one from the other) است. در این مورد، درج عنوانی که درون قلاب آمده است کفایت می‌کند و مانع از دشواری در مرجع‌یابی برای ضمیرهای «این» و «آن» می‌شود و از آوردن توضیح اضافی در درون قلاب نیز پرهیز خواهد شد. افزون‌براین، به‌باور نگارنده می‌توان معادل تشخیص را نیز به‌جای پیش‌بینی برای «predict» در این بافت خاص در نظر گرفت.

در هشتمین عنوان پس از عنوان فصل سوم، تغییر واژه «گونه» به «گونه‌های» عنوان معادل‌گزینی شده را فارسی‌تر می‌کند و به این ترتیب، عنوان «تنوع در انواع گونه‌های کاربردی» را خواهیم داشت. در مورد چنین اصلاحی، توجه به این نکته ضروری به‌نظر می‌رسد که سیاق، خود، معادل گونه‌های متعدد سخن و نه صرفاً یک گونه خاص است. از آن‌جاکه در بخش‌های بعدی کتاب، از جمله در صفحه ۸۵ برای اصطلاح «گونه کاربردی»

اصطلاح «سیاق سخن» نیز به کار رفته است، پیش‌نهاد می‌شود هم در عنوان و هم در سایر بخش‌های کتاب، مترجمان صرفاً یکی از معادل‌های یادشده را به کار برند تا از تشتت معادل‌یابی در ترجمه پرهیز شود.

در سومین عنوان، ذیل فصل پنجم، پس از عنوان فصل، دو معادل ممکن برای یک واژه به کار رفته است؛ «بافتار، پیوند (گره)‌های انسجامی و ابزار انسجام». پیش‌نهاد می‌شود مترجمان بر سر کاربرد یکی از معادل‌های یادشده توافق کنند و معادلی را برگزینند که حداکثر شفافیت معنایی را داشته باشد. با توجه به این که واژه انگلیسی‌ای که معادل‌یابی شده واژه «tie» است، به نظر می‌رسد معادل «گره» از شفافیت معنایی بیش‌تری داشته باشد؛ به‌ویژه آن‌که از چنین اصطلاحی در حوزه نحو (syntax) نیز با معنایی متفاوت استفاده می‌شود؛ بنابراین، اصطلاح «گره» برای دانشجویان و استادان رشته زبان‌شناسی اصطلاحی آشناست.

آخرین پیش‌نهاد در مورد مندرجات فهرست مطالب مربوط به شیوه نوشتار و چگونگی استفاده از خط است و معطوف به مشکلی در چگونگی ترجمه نیست. از آن‌جاکه پیوستن پیشوند فعل به خود فعل مرسوم نمی‌نماید، پیش‌نهاد می‌شود در ششمین عنوان پس از عنوان فصل ششم، دوازدهمین عنوان و نیز شانزدهمین عنوان پیشوند فعل از فعل با نیم‌فاصله جدا شود.

۲.۴ سخن مترجمان و پیش‌گفتار

در این بخش از کتاب، مترجمان ساختار کتاب را معرفی کرده‌اند که به خواننده کتاب برای یافتن تلقی‌ای کلی از مطالب کتاب کمک بسیاری می‌کند، اما متأسفانه در انتهای این بخش نام یکی از مترجمان از قلم افتاده است؛ نام خانم طاهره ایشانی. در صورتی که سخن موجود در این بخش از کتاب صرفاً متعلق به یکی از مترجمان، یعنی آقای مجتبی منشی‌زاده است، ضروری می‌نماید عنوان این بخش از «سخن مترجمان» به «سخن مترجم» تغییر یابد.

درج واژه «مترجمان» به جای واژه «مترجم» پس از پانوشته‌ها نیز ضروری است؛ زیرا در صفحات ۱۱، ۱۳، و ۸۹ کتاب، پس از پانوشته‌های موجود در این صفحات، صرفاً به واژه «مترجم» اشاره شده است.

پیش از فصل اول و در بخش پیش‌گفتار (صفحه ۱۶، خط دوم از پاراگراف دوم) مانند برخی دیگر از بخش‌های کتاب با جمله‌هایی روبه‌رو می‌شویم که فهم آن‌ها برای

فارسی‌زبانان دشوار می‌نماید و به بازنویسی نیاز دارد. یکی از دلایل ایجاد دشواری در فهم کاربرد معادل‌هایی است که دور از ذهن می‌نمایند.

- جمله ← جدی‌ترین و درعین‌حال گمراه‌کننده‌ترین اسطوره‌ها، آن‌هایی هستند که جدایی زبان از معنا، نیز قالب از کارکرد یا قالب از، «محتوا»، را به میان می‌آورند. باتوجه‌به این‌که واژه معادل‌یابی شده در متن اصلی «confusing» است، «گمراه‌کننده» معادل مناسبی به‌نظر نمی‌رسد. کاربرد واژه «گمراه‌کننده» برای اسطوره یا افسانه مناسب و صحیح نمی‌نماید؛ زیرا این پرسش را در ذهن خواننده کتاب شکل می‌دهد که «اسطوره گمراه‌کننده چگونه اسطوره‌ای است؟». بنابراین، بهتر است واژه «گمراه‌کننده» با واژه‌ای مانند «گیج‌کننده» جای‌گزین شود. جمله معترضه ذکرشده نیز از روانی جمله به‌شدت کاسته است. از آن‌جاکه گاه ضرورت دارد برای فهم بهتر و بیش‌تر جمله‌ای از زبان مبدأ، دو یا چند جمله در زبان مقصد ذکر گردد، پیش‌نهاد می‌شود آن‌چه در قالب جمله معترضه میان دو خط تیره قرار گرفته است حذف گردد و ترجمه جمله به این ترتیب صورت پذیرد:

- جدی‌ترین و درعین‌حال گیج‌کننده‌ترین اسطوره‌ها، آن‌هایی هستند که زبان در آن‌ها مستقل از معنا به‌کار رفته است؛ همان‌هایی که قالب‌های زبانی در آن‌ها مستقل از معنا، یا «صورت»، مستقل از «محتوا» به‌کار برده شده است.

نکته دیگری که بایسته ذکر می‌نماید آن است که در صفحه ۲۱ کتاب، نتایجی که مربوط به همایش‌های آموزش زبان در استرالیا است، در بالای صفحه آمده است، اما اگر این فهرست در قالب جدولی دوستونی ارائه می‌شد، تشخیص و بازیابی آثار در متن ساده می‌بود. ارائه این‌گونه فهرست این آثار می‌تواند مخاطب کتاب را دچار سردرگمی کند.

برخی جمله‌های ترجمه‌شده بیش از حد طولانی هستند و به همین دلیل فهم آن‌ها برای خواننده فارسی‌زبان کتاب دشوار است. برای مثال، در ابتدای صفحه ۲۴ کتاب و در انتهای خط سوم جمله‌ای آغاز می‌شود که در خط هشتم پایان می‌یابد و در واقع طول آن پنج خط است. مسلماً فهم دقیق چنین جمله‌ای اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است. ابتدا متن انگلیسی را در ذیل می‌آوریم:

- While it is true that a great deal of linguistic research of the past where it did not interpret language in terms of interactive, social processes or where it was not grounded in the concern for meaning, has had little of relevance to offer education socially relevant traditions of linguistics like that from which systemic is derived, do have a lot to contribute.

- پیش‌نهاد ← با وجود آن‌که این مسئله واقعیت دارد که پژوهش‌های زبانی زیادی در گذشته، زبان را براساس نقش تعاملی آن توصیف و تفسیر نکردند و برای معنا نیز اهمیتی قائل نبودند. این پژوهش‌های زبانی ارتباطی با آموزش، یعنی سنت‌های زبانی‌ای که زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند براساس آن‌ها شکل گرفت، نداشتند، اما در امر آموزش نقش ایفا کردند.

۳.۴ فصل اول

نخستین عنوان فصل اول کتاب، که بخشی از عنوان خود کتاب نیز است، به‌درستی، به‌صورت «زبان از منظر اجتماعی - نشانه‌شناختی» آمده است؛ اما در خط اول پس از همین عنوان، این عبارت به‌صورت «زبان از منظر اجتماعی - نشانه‌شناسی» آمده است. دو نکته حائز اهمیت آن است که الف) هنگامی که قرار است برای زبان صفت به‌کار رود، اسم به‌کار رفته است؛ یعنی به‌جای واژه «نشانه‌شناختی» واژه «نشانه‌شناسی» مورد استفاده قرار گرفته است. ب) اگر عنوان «زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی» به‌کار می‌رفت، درک دیدگاه نویسندگان کتاب برای خواننده آن ساده‌تر و روشن‌تر می‌بود.

در آغاز فصل اول کتاب، هنگامی که سخن از نشانه و نشانه‌شناسی به میان می‌آید، مترجمان در پانویشت، خواننده کتاب را برای مطالعه بیشتر در این زمینه راهنمایی کرده‌اند و این امر از نقاط قوت این ترجمه به‌شمار می‌رود.

چنان‌که پیش‌تر نیز اشاره شد، در مواردی معادل‌گزینی‌ها به‌شیوه‌ای صورت گرفته‌اند که خواننده کتاب را برای فهم مطلب با دشواری روبه‌رو می‌کند. برای مثال، در صفحه ۳۶ کتاب، در دومین خط از پاراگراف دوم، با این جمله برخورد می‌کنیم:

- روش‌های بسیار دیگری از معنا، به غیر از معنا در زبان وجود دارد.

جمله انگلیسی مندرج در متن کتاب این است:

- There are many other ways of meaning other than through language.

برای نگارنده این سطور به‌هیچ‌روی روشن نیست که مترجمان از کاربرد عبارت «روش‌های بسیار دیگری از معنا» چه معنایی را برای انتقال به خواننده کتاب مدنظر داشته‌اند. یک احتمال، که چندان ضعیف هم نمی‌نماید، می‌تواند این باشد که منظور «روش‌های بسیار دیگری برای درک معنی» است. حتی اگر این حدس حدس درستی باشد،

نوع معادل‌گزینی و جمله‌بندی مترجمان را از هدفشان دور کرده است؛ زیرا قرار بر این نیست که خواننده ترجمه با حدس و گمانه‌زنی به درک مطلب پردازد، بلکه قرار است خواننده کتاب به هنگام خواندن آن فراموش کند که متن متنی ترجمه شده است تا به این ترتیب، با نویسنده کتاب فاصله اندیشگانی پیدا نکند.

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر، می‌توان به عبارت «متن کارکردی» اشاره کرد که در صفحه ۴۲ کتاب و در خط دوم از پاراگراف دوم به‌کار رفته است. این عبارت خواننده را با ابهام روبه‌رو می‌کند. از آن‌جا که این معادل برای واژه functional به‌کار رفته است، پیش‌نهاد می‌شود معادل «کاربردی» با آن جای‌گزین گردد؛ زیرا در ادامه، بر این نکته تأکید می‌شود که این متن‌ها هدف خلاقانه‌ای را در جامعه داشته‌اند و این امر بدان معناست که این متون با اهداف کاربردی خاصی تدوین شده بودند.

در نخستین عنوان صفحه ۵۱، عبارت «فحوا یا عاملان گفتمان» مشاهده می‌شود. دو نکته در این مورد گفتنی است: یکی این که فقط یکی از این دو اصطلاح باید به‌عنوان معادل برای واژه tenor به‌کار رود و به‌نظر می‌رسد واژه «عاملان» برای tenor معادل صحیح‌تری باشد؛ زیرا واژه «فحوا» ذهن را به‌سوی واژه انگلیسی «content» هدایت می‌کند. دوم این‌که، در مورد واژه‌ها و اصطلاح‌های تخصصی، چنان‌که پیش‌تر نیز ذکر شد، ضروری است مترجمان فقط بر سر یک معادل خاص، که دقیق‌ترین و درست‌ترین معادل باشد، توافق کنند؛ زیرا در غیر این صورت با تشتت در معادل‌گزینی روبه‌رو خواهیم بود که، خود، برای بومی‌سازی دانشی وارداتی مشکل‌ساز خواهد بود.

۴.۴ فصل دوم

نکته‌ای که در فصل دوم از کتاب در مواردی معدود به‌چشم می‌خورد آن است که شماره‌ها در متن فارسی به‌صورت لاتین باقی مانده‌اند. نمونه‌هایی از این موارد در صفحات ۶۰ و ۶۱ کتاب قابل مشاهده است که ضروری است در چاپ‌های بعدی کتاب اصلاح شود تا از زیبایی صوری متن نکاهد.

در صفحه ۶۵، برای مفهوم «معنای تجربی» معادلی پانویس نشده است. همین مسئله در مورد مفهوم «بینافردی» در صفحه ۶۸ نیز تکرار شده است. ذکر نکردن معادل انگلیسی این اصطلاحات در پانویس می‌تواند خواننده را برای درک بهتر مفهوم تخصصی‌ای که از آن سخن می‌رود، با دشواری روبه‌رو کند. معادل «معنای تجربی» experiential meaning و معادل «بینافردی» interpersonal meaning است.

درون متن نیز خطوط تیره‌ای به چشم می‌خورد که دلیل حضور آن‌ها در متن برای نگارنده این سطور مشخص نیست؛ در واقع، نمی‌توان دریافت آیا منظور این است که در خواندن متن باید مکتبی کوتاه داشت یا قرار است خواننده کتاب با توضیحی بیش‌تر درباره یک مفهوم روبه‌رو باشد. نمونه‌ای از این موارد را می‌توان در صفحه‌های ۶۵ و ۷۸ کتاب مشاهده کرد. واژه‌های انگلیسی‌ای که در صفحه ۶۵ کتاب و نیز در صفحاتی دیگر از جمله ۶۶ و ۶۷ درون متن آمده‌اند به صورت ایتالیک تایپ شده‌اند و این درحالی است که دیگر واژه‌های انگلیسی‌ای که در همین صفحات آمده‌اند ایتالیک نیستند. دلیل این امر مشخص نشده است. دو جمله اول پاراگراف دوم در صفحه ۷۶ مبهم است و به بازنویسی نیاز دارد. به نظر می‌رسد می‌توان برای فهم‌پذیری بیش‌تر، دو جمله را در هم ادغام کرد و به معنایی روشن و مشخص رسید. ابتدا متن انگلیسی را از نظر می‌گذرانیم:

- as far as the mode of discourse is concerned that is to say the particular part that the language is playing in the interactive process. In the first instance we are treating it as a spoken text.

- جمله ← تا آن‌جا که به شیوه گفتمان مربوط می‌شود، یعنی بخش خاصی است که زبان در فرایندی تعاملی مشارکت دارد. در وهله نخست چنان متنی را گفتاری در نظر می‌گیریم.

- پیش‌نهاد ← از منظر شیوه گفتمان، یا در واقع، نقشی که زبان در فرایند تعامل ایفا می‌کند، چنین متنی را متنی گفتاری در نظر می‌گیریم.

ضروری به نظر می‌رسد در مورد معادل‌گزینی‌ای که در انتهای خط سوم از نخستین پاراگراف صفحه ۷۷ صورت گرفته است، تجدیدنظر صورت گیرد؛ زیرا در این بخش از کتاب هنگامی که از واژه «kiss» سخن به میان می‌آید، کاربرد واژه «دهان» محلی از اعراب ندارد؛ زیرا بوسیدن با «لب» صورت می‌گیرد، نه با «دهان».

۵.۴ فصل سوم

نخستین نکته‌ای که در مورد سومین فصل از کتاب بایسته بازنگری به نظر می‌رسد عنوان این فصل است. عنوان این فصل «گونه کاربردی (سیاق سخن)» در نظر گرفته شده است و همان‌گونه که پیش‌تر نیز ذکر شد، ضروری می‌نماید مترجمان بر سر کاربرد یک معادل توافق کنند.

آخرین عبارتی که در صفحه ۹۳ نوشته شده است گویا نیست، بنابراین، پیش‌نهاد می‌شود این عبارت به یک جمله کامل تبدیل شود. عبارت یادشده «جدول ۱.۳ نظام‌های تجربی در متن ۳.۱» است. پیش‌نهاد می‌شود این عبارت با جمله «جدول ۱.۳ نظام‌های تجربی در متن ۳.۱ را نشان می‌دهد.» جای‌گزین شود.

نمودار صفحه ۹۴ و جدول صفحه ۹۵ شماره و عنوان ندارند. نداشتن شماره و عنوان جدول در صفحات ۹۷ و ۱۰۱ نیز صدق می‌کند. نمودارها در صفحات ۹۶ و ۱۰۰ با عنوان شکل معرفی شده‌اند و به اصلاح نیاز دارند.

در صفحه ۱۱۳ کتاب، دو اصطلاح «ضد زبان» و «زبان مادرزناها» به کار برده شده است. باتوجه به این که اصطلاح‌های یادشده در زبان‌شناسی و حتی در زبان‌شناسی اجتماعی (sociolinguistics) نیز رایج نیستند، پیش‌نهاد می‌شود معادل انگلیسی این اصطلاح‌ها پانویس شود و مترجمان توضیحاتی درباره آن‌ها ارائه دهند تا مطلب برای خواننده کتاب روشن‌تر شود.

جمله سطر سوم در صفحه ۱۲۱ به بازنویسی نیاز دارد تا برای خواننده فارسی‌زبان از قابلیت فهم بیشتر و بهتری برخوردار گردد. ابتدا نگاهی خواهیم داشت به متن انگلیسی:

- the way language is organized has been determined over the million and more years of its evolution by the functions it is called on to serve.

- جمله ← سازمان‌دهی زبان را که یک میلیون سال و اندی از سیر تکاملی آن می‌گذرد، کارکردهایش یعنی به خدمت گرفتن آن تعیین کرده است.

- پیش‌نهاد ← سازمان‌یافتن زبان، طی بیش از یک میلیون سال سیر تکاملی آن، از طریق نقش‌هایی که ایفا می‌کند مشخص شده است.

جمله‌ای که از خط دوم پاراگراف سوم در صفحه ۱۲۵ آغاز می‌شود به بازنویسی نیاز دارد. متن انگلیسی این‌گونه است:

- For any text in school-teacher talk in the classroom, pupils' notes or essay, passage from a textbook- there is always a context of situation: the lesson with its concept of what is to be achieved; the relationship of teacher to pupil, or textbook writer to reader: the mode of question and answer, expository writing and so on.

- جمله ← برای هر متنی در مدرسه، صحبت‌های معلم در کلاس، یادداشت‌ها یا مقالات دانش‌آموزان، متنی از یک کتاب درسی، همیشه بافت موقعیت یعنی درس با

این مفهوم از آنچه قرار است به دست آید، ارتباط بین معلم با بچه‌ها یا نویسنده کتاب با خواننده؛ شیوه پرسش - پاسخ، نوشتن توضیحی و جز آن وجود دارد.

- پیش‌نهاد ← در هر متنی مدرسه با بافت موقعیتی‌ای همراه است که در بردارنده مفاهیمی است که با مفهوم «مدرسه» گره خورده‌اند؛ مانند ارتباط میان آموزگار با دانش‌آموزان، ارتباط میان نویسنده کتاب با خواننده آن، شیوه پرسش و پاسخ، نوشتن توضیح و جز آن.

۶.۴ فصل چهارم

یکی از ویژگی‌های خوبی که در این فصل با آن‌ها روبه‌رو هستیم معادل‌گزینی‌های مناسب و برخوردار از شفافیت معنایی است که به فهم بیشتر و بهتر متن کمک می‌کند؛ از آن جمله می‌توان به معادل‌های «درخواست فروش» برای «sale request» و «رضایت فرد از فروش» برای «sale compliance» در صفحات ۱۵۲ و ۱۵۳ اشاره کرد.

نکته پرسش‌برانگیزی که در فصل چهارم با آن روبه‌رو می‌شویم، مانند آنچه در صفحات ۵۹، ۶۰، و ۶۱ نیز آمده است، این است که برخی ارجاع‌ها به صورت لاتین در متن فارسی آمده‌اند و برای خواننده کتاب مشخص نیست آیا مترجمان از ذکر ارجاع‌هایی از این دست هدف خاصی را مدنظر داشته‌اند یا خیر. برای نمونه، می‌توان به ارجاع‌هایی اشاره کرد که در صفحات ۱۴۶ و ۱۴۷ آمده است که به صورت (Hasan 1980) و (Hasan 1973, 1978, 1980) آمده‌اند. مانند این موارد را در صفحات ۱۴۰، ۱۴۱، و ۱۵۶ نیز می‌بینیم. از آن‌جاکه ارجاع‌های لاتین در سه فصل اول کتاب به چشم نمی‌خورند، مشاهده آن‌ها در فصل چهارم پرسش‌برانگیز می‌نماید.

در صفحه ۱۵۱، شماره و عنوان جدول ذکر شده، اما متأسفانه جدول رسم نگردیده است و، در نتیجه، داده‌ها درون جدول قرار ندارند. در صفحات ۱۶۲ و ۱۶۳ نیز همین مورد به چشم می‌خورد که در چاپ‌های بعدی کتاب نیازمند اصلاح است.

در صفحه ۱۵۵ نشانه‌های اختصاری موجود در جدول ۳.۴ به فارسی برگردانده نشده‌اند. از آن‌جاکه داده‌های جدول به زبان فارسی برگردانده شده‌اند، پیش‌نهاد می‌شود در صورت صلاحدید مترجمان، نشانه‌های اختصاری نیز به فارسی درج گردند.

در صفحه ۱۷۱، سه جمله پاراگراف سوم به بازنویسی نیاز دارد؛ زیرا به دلیل نوع واژه‌گزینی و جمله‌بندی و نیز طولانی‌بودن، یافتن ارتباط میان اجزای تشکیل‌دهنده جمله دشوار شده است. جمله انگلیسی این است:

- A child may not have experience at home the genres that the system of education particularly requires. In this respect, home environments might differ significantly. The home where a child naturally encounters different kinds of written communication creates an awareness of language that is not the same as that created by a print-less home.

- جمله ← کودک ژانرهایی را که سیستم تحصیلی ویژه‌ای می‌طلبد، ممکن نیست در منزل تجربه کند. از این بابت محیط خانه احتمالاً به‌طور ویژه‌ای متفاوت است. خانه‌ای که کودک در آن به‌طور طبیعی با انواع متفاوتی از ارتباطات نوشتاری مواجه می‌شود، آگاهی زبانی را می‌آفریند که مشابه آفرینش آگاهی‌هایی زبانی در خانه‌ای بدون ارتباط نوشتاری میسر نیست.

- پیش‌نهاد ← کودک قادر نیست ژانرهای موردنیاز در نظام آموزشی را در خانه بیاموزد. از این لحاظ، ممکن است محیط خانه‌ها تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای با هم داشته باشند. خانه‌ای که کودک در آن در معرض ارتباط نوشتاری قرار می‌گیرد نوعی آگاهی از زبان را در کودک به‌وجود می‌آورد که مشابه این آگاهی، در خانه‌ای که ارتباط نوشتاری در آن وجود ندارد یافت نمی‌شود.

۷.۴ فصل پنجم

در صفحه ۱۸۱ کتاب، معادلی که برای «cohesive tie» در نظر گرفته شده «پیوند گره انسجامی» است. در وهله نخست به نظر می‌رسد مانند موارد پیش‌تر ذکر شده، مترجمان برای واژه «tie» دو معادل «پیوند» و «گره» را در نظر گرفته‌اند، اما سهواً میان دو واژه «پیوند» و «گره» خط مورب گذاشته نشده است یا یکی از این دو معادل درون قلاب قرار نگرفته‌اند. باتوجه به واژه انگلیسی «tie» کاربرد اصطلاح «گره» مناسب‌تر می‌نماید.

در پاراگراف آخر صفحه ۱۸۳، هنگامی که از واژه‌های «طلا» و «نقره» سخن به میان آمده است، صورت انگلیسی این واژه‌ها در متن فارسی آمده است؛ یعنی این واژه‌ها به‌صورت gold و silver در متن ذکر شده‌اند. به نظر می‌رسد کاربرد معادل فارسی این واژه‌ها در متن خللی به درک بحث وارد نمی‌کند و به همین دلیل پیش‌نهاد می‌شود واژه‌های یادشده به فارسی برگردان شوند.

نموداری که در صفحه ۱۸۵ کتاب رسم شده به فارسی برگردانده نشده است. از آن‌جاکه ترجمه داده‌های این بخش بر میزان فهم‌پذیری مطلب می‌افزاید، پیش‌نهاد می‌شود مطالب این بخش از کتاب به فارسی برگردان شوند.

در صفحه ۱۹۶ کتاب، هنگامی که از حوزه‌های معنایی سخن به میان می‌آید، واژه‌های انگلیسی هم‌راه با برگردان فارسی‌شان در متن ذکر شده‌اند. اگر ذکر معادل‌های انگلیسی از دیدگاه مترجمان ضروری است، پیش‌نهاد می‌شود معادل‌ها در پانویس ذکر شوند و درون متن باقی نمانند؛ هرچند که به دلیل گویابودن معادل‌های فارسی، پانویس کردن معادل‌های انگلیسی ضروری به نظر نمی‌رسد.

در صفحه ۲۰۴ کتاب، داده‌های شکل ۳.۵ به فارسی ترجمه نشده است. ترجمه آن‌ها به فارسی در برگردان فارسی کتاب ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا انگلیسی‌ماندن آن‌ها کمکی به فهم بیشتر و بهتر مطلب نمی‌کند.

در صفحه ۲۰۹ کتاب، شماره و عنوان جدول‌ها ذکر شده است، اما داده‌ها درون جدولی جای نگرفته‌اند و در واقع، جدول رسم نشده است. این مسئله در صفحات ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۴۴ و ۲۴۵ کتاب تکرار شده است و بنابراین، اصلاح آن در چاپ‌های بعدی کتاب ضروری است.

۸.۴ فصل ششم

در صفحه ۲۴۹ کتاب، عنوان درج‌شده، یعنی «گونگی ذاتی بافت»، برای خواننده کتاب گویا نیست. از آن‌جاکه «گونگی» به عنوان معادل واژه «variety» به کار رفته است، پیش‌نهاد می‌شود معادل «گوناگونی» جای‌گزین «گونگی» شود.

همان‌گونه که پیش‌تر نیز به عدم کاربرد یک معادل واحد برای واژه‌ای تخصصی اشاره شد، در فصل آخر کتاب نیز می‌بینیم برای واژه «genre» دو اصطلاح «نوع» و «ژانر» به کار رفته است. در این مورد نیز مانند موارد پیشین پیش‌نهاد می‌شود مترجمان بر سر کاربرد یکی از این معادل‌ها توافق کنند.

در شکل مندرج در صفحه ۲۵۲ اگر نشانه‌های اختصاری به کار رفته در شکل ۳.۶ به فارسی ترجمه شوند، متن کتاب فارسی‌تر خواهد شد. پیش‌نهاد ترجمه داده‌ها در مورد متون و نشانه‌های اختصاری صفحه‌های ۲۵۷ و ۲۵۸ نیز در صورت صلاحدید مترجمان قابل تأمل می‌نماید.

۹.۴ پانویس‌ها

در مورد آنچه پانویس شده است ده نکته قابل ملاحظه در کتاب به چشم می‌خورد: نخست این‌که در برخی موارد مترجمان سهواً معادل انگلیسی یک اصطلاح را بیش از

یک بار پانویس کرده‌اند؛ برای مثال، واژه «register» بیش از یک بار پانویس شده است؛ یک بار در صفحه ۱۲، یک بار در صفحه ۱۹، و یک بار در صفحه ۱۰۷ آمده است. واژه «contextual configuration» یک بار در صفحه ۱۴۳، یک بار در صفحه ۱۷۵، و یک بار در صفحه ۲۳۱ پانویس شده است. واژه «exophoric» به‌عنوان معادل انگلیسی «برون‌مرجع» یک بار در صفحه ۱۸۹ و یک بار در صفحه ۲۱۰ پانویس شده است. واژه «tenor» یک بار در صفحه ۷۵ و بار دیگر در صفحه ۲۶۳ پانویس شده است. این اتفاق در مورد نام‌های خاص نیز افتاده است؛ به‌عنوان نمونه، واژه «Bernstein» یک بار در صفحه ۱۳ و بار دیگر در صفحه ۱۱۴ نیز پانویس شده است.

دوم این‌که در مواردی محدود برای یک واژه انگلیسی بیش از یک معادل فارسی در نظر گرفته شده است؛ برای مثال، برای واژه «exophoric» در صفحه ۱۸۹ واژه «برون‌مرجع» در نظر گرفته شده است و در صفحه ۲۱۰ معادل «عامل برون‌متنی». اگر در نظر گرفتن دو معادل متفاوت از دیدگاه مترجمان ضروری است، پیش‌نهاد می‌شود توضیحی در این مورد پانویس شود، در غیر این صورت، از تشبیه در معادل‌گزینی پرهیز گردد.

سوم این‌که در مواردی، سهواً حرف اول واژه‌های انگلیسی موجود در پانویس‌ها بزرگ است و این در حالی است که این واژه‌ها نام خاص نیستند. برای مثال، حرف اول واژه‌های *service encounter* و *focused interaction* در صفحه ۱۴۱ بزرگ است. حرف *c* در *contextual configuration* در صفحه ۱۴۳ بزرگ نوشته شده است.

چهارم این‌که فقط در دو مورد نام‌های خاص پانویس شده با حروف بزرگ نوشته نشده‌اند و این دو مورد عبارت‌اند از نام سوزان آگینز (Suzanne Eggins) در صفحه ۲۴ و وُردز وُرت (Wordsworth) در صفحه ۱۹۴.

پنجم این‌که فقط در یک مورد نگارنده این مختصر با ابهام در آنچه پانویس شده است روبه‌رو گشت و آن مورد در صفحه ۱۹۰ کتاب است که برای واژه «بافتار» در پانویس «چند نفر گدا» آمده است. چنان‌چه منظور مترجمان به پیروی از نویسندگان کتاب این بوده است که بافتار در مورد مثال توضیح داده شده، تشکیل شده از چند نفر گداست، بهتر به این نکته در پانویس به صورت صریح اشاره شود و در صورتی که تصور نگارنده این سطور اشتباه است، درج توضیح در مورد این پانویس ضروری‌تر می‌نماید.

ششم این‌که در مواردی محدود، مانند صفحه‌های ۱۹۵، ۲۰۶، و ۲۶۴ فاصله میان سطرها در پانویس به درستی رعایت نشده است و مسلماً چنین نقیصه‌ای در صفحه‌آرایی دوباره کتاب قطعاً برطرف خواهد شد.

هفتم این که برای برخی واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی مانند «معنای تجربی» و «معنای بینافردی» معادل انگلیسی آورده نشده است و این درحالی است که برای «معنای منطقی» و «معنای متنی» معادل انگلیسی پانوشت شده است.

هشتم این که برخی مفاهیم مانند «بافتار» از صفحه ۴ در متن به کار رفته‌اند و چنان که در بخش نمایه نیز ملاحظه می‌شود، در صفحات ۵، ۶، ۹، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۸، ۸۳، ۹۹، ۱۳۸، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۷، ۱۹۰، ... و ۲۸۶ این واژه تخصصی به کار رفته است، اما برای نخستین بار در صفحه ۱۹۰ پانوشت شده است.

نهم این که در مواردی معدود، برای مثال در صفحه ۱۸، به چهار نام خاص اشاره شده است که این نام‌ها پانوشت نشده‌اند. ذکر نام این افراد به زبان انگلیسی در پانوشت می‌تواند به تلفظ دقیق‌تر نام آن‌ها منجر شود و خواننده کتاب در خواندن نام آن‌ها با دشواری و تردید روبه‌رو نشود.

دهم این که در پانوشت صفحه ۴۸ کتاب می‌بینیم که معادلۀ فرانسوی «شرح و تفسیر متن» به صورت مورب (ایتالیک) تایپ شده است و درمورد سایر پانوشت‌ها با چنین روشی برخورد نمی‌کنیم. اگر عمد و قصدی برای درج این گونه پانوشت وجود داشته است، بهتر است مترجمان به این قصد اشاره کنند.

۱۰.۴ واژه‌نامه

گنجاندن واژه‌نامه پیش از نمایه از ویژگی‌های بسیار خوب این ترجمه به‌شمار می‌رود؛ زیرا بر اهمیت ترجمه این اثر می‌افزاید. با توجه به این که در حوزه رویکرد نقش‌گرایانه به مطالعات زبانی اثری به فارسی ترجمه یا تألیف نشده است، دانشجویان رشته زبان‌شناسی با کمبود شدید منابع به زبان فارسی در این حوزه روبه‌رو هستند و هنگام مطالعه منابعی که مسلماً به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند، برای درک عمیق واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی با مشکل روبه‌رو هستند. وجود واژه‌نامه در کنار ترجمه این کتاب به زبان فارسی گامی بسیار مهم برای بومی‌سازی اصطلاحات پریسامد در زبان‌شناسی نقش‌گرا، که علمی وارداتی است، به‌شمار می‌رود و دانشجویان و استادان رشته زبان‌شناسی را با معادل‌های فارسی واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی این حوزه آشنا می‌کند.

برای سهولت بیشتر در دست‌رسی به معادل‌های انگلیسی و فارسی، پیش‌نهاد می‌شود در صورت صلاحدید مترجمان، واژه‌نامه به دو صورت فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی تنظیم شود و خطوط جدول دربردارنده واژه‌نامه نیز حذف شوند تا واژه‌نامه شکل زیباتری بیابد.

۱۱.۴ نمایه

آوردن نمایه در پایان کتاب یکی از امتیازهای این ترجمه به‌شمار می‌رود که دست‌رسی خواننده کتاب را به مباحثی که برای وی در درجه نخست اهمیت قرار دارند و خواننده قصد رجوع به آن‌ها را دارد، آسان می‌کند. گنجاندن نمایه در انتهای کتاب کمک شایان توجهی به مدرس تحلیل گفتمان و نیز مدرس دستور نقش‌گرا نیز می‌کند؛ به این ترتیب که امکان مطالعه سریع مباحث موردنیاز برای تدریس را فراهم می‌کند.

بازنگری نمایه کتاب از آن‌رو ضروری می‌نماید که برخی واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی که در متن کتاب آمده و معادل انگلیسی آن‌ها پانویس نیز شده است، در نمایه کتاب موجود نیست؛ برای مثال، واژه «مشارک» که به‌عنوان معادل واژه *tenor* در نظر گرفته شده است، در نمایه ذکر نگردیده است. «ارجاع برون‌متنی» نیز از دیگر مفاهیمی است که در نمایه آورده نشده است.

برخی واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی مانند «انسجام»، «بینافردی»، «زبان محدود»، «زمینه گفتمان»، «شیوه گفتمان»، «عاملان گفتمان»، و «نقش‌های عاملیت» برخلاف سایر واژه‌ها و اصطلاحات مندرج در این بخش با حروف سیاه (به‌صورت بُلد) درج شده‌اند. مشخص نیست این امر سهواً صورت گرفته است یا عامدانه این اصطلاحات تخصصی مورد تأکید واقع شده‌اند. در صورتی که مورد دوم صحیح است؛ یعنی این اصلاحات عامدانه به‌صورت مؤکد آمده‌اند، بهتر است دلیل چنین تأکیدی برای خواننده کتاب روشن گردد و در غیر این صورت، مشکل پیش آمده برطرف شود.

آخرین نکته در مورد نمایه، که ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد، آن است که نمایه کتاب صرفاً موضوعی است. اگر (در صورت صلاح‌دید مترجمان) نمایه اسمی نیز در انتهای کتاب درج شود، کار مخاطب برای رجوع به افرادی خاص که در مورد موضوع مشخصی اظهار نظر کرده‌اند، ساده خواهد بود؛ اما در حال حاضر، به دلیل فقدان نمایه اسمی، چنین امکانی برای خوانندگان کتاب فراهم نیست.

۵. نتیجه‌گیری

جایگاه ترجمه کتاب زبان، بافت، و متن؛ جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی — نشانه‌شناختی در فضای زبان‌شناسی کشور بدون تردید جایگاهی والاست. در میان رویکردهای سه‌گانه صورت‌گرایانه، نقش‌گرایانه، و شناختی به مطالعات زبانی، ترجمه و تألیف آثاری که در آن‌ها به شرح آرای زبان‌شناسان نقش‌گرا پرداخته باشند، در مقایسه با

سایر رویکردها اندک است و شاید به‌جرت بتوان گفت به همین دلیل است که دانشجویان رشته زبان‌شناسی بیش‌ترین آشنایی را با آرای زبان‌شناسان صورت‌گرا و آشنایی کم‌تری با آرای زبان‌شناسان شناختی دارند، اما کم‌ترین آشنایی را با آرای زبان‌شناسان نقش‌گرا دارند. همین امر بر اهمیت ترجمه موردبررسی می‌افزاید. افزون‌براین، از آن‌جاکه مباحث مطرح‌شده در این کتاب در حوزه تحلیل گفتمان نیز مطرح می‌شوند، از مطالب این کتاب می‌توان برای تدریس دستور نقش‌گرا و نیز بخشی از تحلیل گفتمان بهره برد.

واقعیتی که نمی‌توان از نظر دور داشت این است که اثری را، نه در قالب ترجمه و نه در قالب تألیف، نمی‌توان یافت که عاری از مواردی باشد که نیازمند اصلاح‌اند. شرح پیش‌نهادها به‌صورت مبسوط در متن آمده است و در این بخش صرفاً به‌صورت فهرست‌وار به مهم‌ترین نکات ذکرشده در متن نگاهی اجمالی خواهیم داشت. بنابر آن‌چه درمورد ترجمه کتاب یادشده ذکر شد، می‌توان موارد ذیل را نقاط قوت این ترجمه به‌شمار آورد:

- درج یادداشت پروفیسور رقیه حسن در ابتدای کتاب و پیش از سخن مترجمان از نقاط قوت این ترجمه به‌شمار می‌رود؛ زیرا می‌تواند بر اعتبار ترجمه بیفزاید. این یادداشت در ابتدای کتاب ترجمه‌نشده نیامده است و طاهره ایشانی آن را از این استاد بازنشسته دریافت کرده است.
- در بسیاری از موارد معادل انگلیسی واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی ذکر شده است که به فهم بیش‌تر و بهتر مطلب کمک می‌کند.
- در بسیاری از موارد نام‌های خاص پانوشته شده‌اند که به تلفظ هرچه دقیق‌تر این نام‌ها کمک می‌کند.
- برای مطالعه آرای برخی از صاحب‌نظران در این حوزه یا موضوع‌های مرتبط، به آثاری از سوی مترجمان در پانوشته اشاره شده است که می‌تواند برای خوانندگان کتاب سودمند باشد. نمونه‌ای از آن را می‌توان در صفحه ۳۵ کتاب مشاهده کرد.
- برگردان مثال‌ها به زبان فارسی و درعین‌حال، ذکر انگلیسی آن‌ها به فهم دقیق‌تر مطالب کمک می‌کند.
- درج نمایه موضوعی در پایان کتاب برای خواننده کتاب این امکان را فراهم می‌آورد تا بتواند برای مطالعه درباره موضوع یا موضوع‌هایی خاص دسترسی سریع و آسان به موضوع یا موضوع‌های مذکور داشته باشد.
- درج واژه‌نامه در انتهای کتاب خواننده را برای معادل‌یابی‌های تخصصی یاری می‌کند.

- در کنار نقاط قوت این ترجمه، مواردی که نیازمند اصلاح به نظر می‌رسند تا بر غنای کتاب در چاپ‌های بعدی افزوده گردد، به شرح زیر است:
- در صورت اشاره به موضوع مورد بررسی در کتاب، با عنوان *زبان، بافت، و متن*؛ جنبه‌هایی از *زبان‌شناسی از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی*، عنوان موضوع مورد بحث از شفافیت معنایی بیش‌تری برخوردار خواهد شد.
 - یادداشت‌های پانویست‌شده از سوی مترجمان اندک‌اند و جز در مواردی محدود خوانندگان به منابع مطالعاتی بیش‌تر ارجاع داده نشده‌اند. توضیح بیش‌تر از سوی مترجمان ارائه نشده است؛ به‌ویژه در صفحه ۱۱۳ که درباره «ضدزبان» و «زبان مادرزنان» صحبت شده است، ارائه توضیح ضروری‌تر می‌نماید.
 - در برخی موارد از جمله در صفحات ۱۸ و ۱۹ نام‌های خاص پانویست نشده‌اند و این امر تلفظ صحیح نام‌ها را دشوار می‌سازد.
 - در برخی موارد معادل انگلیسی یک واژه یا اصطلاح تخصصی هنگامی که برای نخستین‌بار از آن سخن به میان می‌آید پانویست نشده است. اصطلاحات «معنای تجربی» و «معنای بینافردی» از آن جمله‌اند.
 - در مواردی مترجمان بر سر کاربرد یک معادل واحد برای واژه‌ای تخصصی توافق نکرده‌اند و در نتیجه، احتمال بروز ابهام برای خواننده کتاب وجود دارد؛ از آن جمله می‌توان به کاربرد دو اصطلاح «گونه کاربردی» و «سیاق سخن» در برابر واژه *register* اشاره کرد.
 - در مواردی، جمله‌های برگردان‌شده طولانی‌اند و معادل‌گزینی‌ها و شیوه جمله‌بندی نیازمند بازنگری به نظر می‌رسند. این امر فهم مطلب را برای خواننده کتاب دشوار می‌سازد. برای نمونه، می‌توان به صفحات ۲۴، ۱۲۵، و ۱۷۱ اشاره کرد.
 - در صفحه ۲۱ کتاب بخشی از متن که مربوط به گزارش همایش برگزار شده در استرالیاست به فارسی ترجمه نشده است.
 - در مواردی، داده‌های جدول‌ها و نمودارها یا شکل‌ها و نیز نشانه‌های اختصاری به فارسی ترجمه نشده‌اند و این احتمال وجود خواهد داشت که از فهم‌پذیری مطالب کاسته شود. برای نمونه، می‌توان به شکل صفحه ۲۰۴ و ۲۵۲ اشاره کرد.
 - در مواردی جدول‌ها شماره و عنوان ندارند. برای نمونه، می‌توان به جدول‌های صفحات ۹۵، ۹۷، و ۱۰۱ اشاره کرد.

- در مواردی به جدول اشاره شده است، اما داده‌ها درون جدول قرار نگرفته‌اند؛ آن هم به این دلیل که جدول رسم نشده است. برای نمونه می‌توان به صفحات ۱۵۱، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۴۴، و ۲۴۵ اشاره کرد.
- بخشی که مربوط به مطالعات بیش‌تر است پس از کتاب‌نامه ذکر نشده است. اگر سهواً این بخش حذف شده است، افزودن آن به کتاب ضروری می‌نماید.
- واژه‌نامه صرفاً به صورت انگلیسی - فارسی تنظیم شده است. پیش‌نهاد می‌شود واژه‌نامه به صورت فارسی - انگلیسی هم تنظیم شود و به کتاب افزوده گردد.
- کتاب فاقد نمایه اسمی است. پیش‌نهاد می‌شود در صورت صلاح‌دید مترجمان نمایه اسمی نیز به کتاب افزوده شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. نویسندگان کتاب: مایکل هیلیدی و رقیه حسن؛ مترجمان کتاب: مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی.
۲. مایکل الکساندر کیرکوود هیلیدی در سیزدهم آوریل ۱۹۲۵ در لیدز انگلستان چشم به جهان گشود. او را به‌عنوان بنیان‌گذار زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند می‌شناسند؛ زیرا توصیف‌های دستوری وی با نام دستور نقش‌گرای نظام‌مند مشهور است. هیلیدی دوره کارشناسی خود را در دانشگاه لندن سپری کرد و پس از اخذ مدرک کارشناسی در رشته زبان و ادبیات چینی، مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته زبان‌شناسی از دانشگاه پکن و لینگنان دریافت کرد و سرانجام در سال ۱۹۵۵ موفق به دریافت مدرک دکترای خود از دانشگاه کمبریج شد. از میان سمت‌هایی که هیلیدی داشته است، می‌توان به مدیریت مرکز پژوهش‌های ارتباطی دانشگاه لندن، استادی زبان‌شناسی همگانی در دانشگاه لندن، استادی زبان‌شناسی در دانشگاه ایلینویز شیکاگو، مدیریت گروه زبان‌شناسی در دانشگاه سیدنی و مشاور در تغییر برنامه درسی در مرکز گسترش زبان اشاره کرد. هیلیدی در سال ۱۹۷۸ به عضویت افتخاری انجمن زبان‌شناسی درآمد و به‌عنوان استاد مدعو در دانشگاه‌های زیادی از جمله ییل، براون، و ناپروبی به تدریس زبان‌شناسی پرداخته است. او در سال ۱۹۶۹ از دانشگاه نانسو فرانسه دکترای افتخاری دریافت کرد و در سال ۱۹۸۱ نیز جایزه بهترین مدرس زبان انگلیسی را از انجمن مدرسان زبان انگلیسی در آمریکا دریافت کرد. مایکل هیلیدی اکنون در نود سالگی در استرالیا زندگی می‌کند. آنچه دیدگاه هیلیدی را از دیگر زبان‌شناسان به‌نام متمایز می‌کند این است که زبان برای او نظامی نشانه‌ای است که منبع ساخت معنی به‌شمار می‌رود. او بر این باور است که در مطالعات زبان‌شناختی باید به بررسی این مسئله مهم پرداخت که مردم چگونه معانی گوناگون را با استفاده از نظام نشانه‌ای زبان شکل می‌دهند. چنین نگرشی درست در تقابل با مطالعات صورت‌گرایانه زبان قرار می‌گیرد.

۳. رقیه حسن در سال ۱۹۳۱ در هند چشم به جهان گشود و در ۲۴ ژوئن ۲۰۱۵ چشم از جهان فرو بست. او مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه الله‌آباد در سال ۱۹۵۳ و مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه پنجاب لاهور در سال ۱۹۵۸ دریافت کرد. رشته تحصیلی وی در دوره کارشناسی ادبیات، آموزش و تاریخ زبان انگلیسی بود و در دوره کارشناسی ارشد در رشته ادبیات انگلیسی تحصیل کرده بود. او در سال ۱۹۶۴ مدرک دکترای خود را در رشته زبان‌شناسی از دانشگاه ادینبورگ دریافت کرد. حسن بین سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۱ پژوهش‌هایی را در زمینه آموزش زبان‌های خارجی و زبان کودک انجام داد و پژوهش‌هایی که بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱ انجام داد، در زمینه جنبه‌های زبان‌شناختی اجتماعی داستان‌های کودکان بود. از میان دانشگاه‌هایی که رقیه حسن در آن‌ها مشغول به تدریس و پژوهش بوده است، می‌توان به دانشگاه نورث‌وسترن و دانشگاه اسکس اشاره کرد. او در سال ۱۹۷۶ به استرالیا مهاجرت کرد و در سال ۱۹۹۴ از دانشگاه مک‌کواری بازنشسته شد. مهم‌ترین اثر رقیه حسن کتاب *انسجام در زبان انگلیسی* است که در سال ۱۹۷۶ با همکاری مایکل هلیدی در انتشارات لانگمن به چاپ رسید.

۴. هلیدی و حسن ۱۳۹۳.

5. even these narrative texts were very clearly functional. They had a creative purpose in the society.

کتاب‌نامه

- دیرمقدم، محمد (۱۳۹۵)، *زبان‌شناسی نظری؛ پیدایش و تکوین دستور زایشی*، ویراسته سوم، تهران: سمت.
- هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳)، *زبان، بافت و متن؛ ابعاد زبان از منظر نشانه‌شناسی اجتماعی*، ترجمه محسن نوبخت، تهران: سیاه‌رود.
- هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳)، *زبان، بافت، و متن؛ جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی* - نشانه‌شناختی، ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، تهران: علمی.

Crystal, D. (2012), *Dictionary of Phonetics and Linguistics*, 6th eds., Singapore: Blackwell.

Halliday, M. A. K. and R. Hasan (1989), *Language, Context and Text: Aspects of Language in a Social-Semiotic Perspective*, 2nd edition., Hong Kong: Oxford University Press.

Jones, A. (2010), "Michael Halliday: An Appreciation by Allan Jones", *Language Matters*, no. 28.

Mathews, P. H. (2011), *Concise Dictionary of Linguistics*, Oxford: Oxford University Press.

https://www.en.m.wikipedia.org/wiki/Michael_Halliday

https://www.en.m.wikipedia.org/wiki/Roqayah_Hasan